

- ۹ — عدد مساجد و امامزاده‌ها و زیارتگاهها با شرح بنا و چگونگی اداره آنها.
- ۱۰ — عدد علما و واعظها و روضه خوانها و پیشمازها
- ۱۱ — عدد موقوفات و ترتیب و اداره آنها
- ۱۲ — نقاشان و موسیقی شناسان و معماران و ادبا و شعرای معروف.

مردان نامور

زریاب پارسی

[بقلم سید محمد توفیق بقیه از شماره ۶]

حد آن هنگام پادشاهان و اعیان اندلس بجهت دفع بوی ناخوش از مستراح و کنار آبها گل و ریاحین و امثال آن را استعمال مینمودند که از حیث خرج و مصرف هم بسیار گران تمام میشد و هم غرض و مقصود را چنانکه شاید و باید تأمین نمی نمود. زریاب بجای گل و ریحان بکار بردن مرده سنگ را بآنان آموخت و فیما بعد همه او را تقلید کرده و تعالیم ویرا بکار انداخته با مخارج خیلی جزئی بوی بد را ازاله و بطور حفظ الصحه جراتیم و حیوانات مضر نیز از میانه دفع کرده میشد.

زریاب بزرگان اندلس طبخ بالوده و لوزینه و مربای سیب و بالهنگ را هم آموخت، و خوراك لذیذ دیگری که با روغن سرخ و نزدیک بقرمز رنگ پیدا میکرد، یاد داد که عربها آن را «تقلیه» می نامیدند، گمان نگارنده اینست که آن خوراك باید همان «قلیه» ایرانی ما باشد. بر مطالعین محترم پوشیده نیست که

آن دورنگ غذای بالوده و لوزینه را برمکیان بخلفای بنی عباس معرفی کرده بودند، و عربها اسم حقیقی آن را تعریب کرده «فالودج» و «لوزینج» مینامیدند.

از قبیل استطراد این حکایت بخاطرم آمد. هر چند تحشیه و حاشیه بنظر میآید، چون با مقصود ما علاقه و مناسبت دارد. ذکر آن خالی از فایده نمیباشد.

روزی بحضور خلیفه هرون الرشید عباسی دو طبق — پیشقاب — از فالودج و لوزینج آورده بودند، در مجلس «یحیی ابن اکثم» قاضی حضور داشت. محض مطایبه خلیفه از او پرسید: «آیا کدام يك از این دو بر دیگری ترجیح دارد؟» قاضی گفت: «یا امیر المؤمنین، بدون استکنا و استنطاق چگونه میتوان حکم کرد؟ پس بفرمائید تا از روی قواعد عدل و داد حکم کرده شود.» خلیفه فرمود تا آن دو پیشقاب را روبروی یحیی ابن اکثم نهادند. قاضی گاهی از آن طبق و گاهی ازین طبق میخورد و تأمل میکرد، تا آنکه هر دو را تمام کرد. هرون پرسید که «این چگونه قضاوت و عدالت میباشد؟» قاضی گفت: «خدایکانا، هر چه خواستم بترجیح یکی از دو تا حکم کنم، آن دیگری بادل و براهین مقننه حجت خود را بمیان گذاشت، اینست هر دو را خورده تمام کردم و هنوز متحیرم که بر علیه کدام حکم قطعی خود را صادر نمایم!»

زریاب در ضمن تعلیمات خودش باندلسیان بیرون آوردن — پاك کردن — لکه‌ها را از لباسها آموخت، چون ایرانیان با نمك همه گونه چرك و نا پاکيها را می زدودند و پوشاك را سفید می کردند، این طریقت را هم اعراب از ایرانیان آموختند.

زریاب چون دید اعیان و ددباریان و جمله مردم به اوانی

و ظروف سیم وزر اعتنا میکنند و مواد خوراك و نوشاك از قبیل مایعات و سائره همه را در آنها استعمال مینمایند، و از لطافت و دلچسپی ظرفهای چینی و بلور غفلت میورزند؛ نخست خودش آنها را بکار برد و بر معدنیات برتری داد. همچنان کلر انداختن دستار خوانهای (سفره) چرمین را بر روی میزهای چوبین — که ستردن چرك و روغن از آن بسیار آسانست باندلسیان تعلیم داد. کلر بجایی رسیده بود که آنچه زریاب میکرد و یا در خوردنی و پوشیدنی ترجیح میداد، مردم او را نعل بنعل تعقیب و تقلید مینمودند. در حقیقت مشار الیه برای تازیان آندیار نمونه فضل و کمال گشته و همگی بکر دار و رفتارهای او امثال میکردند. قبل از ورود زریاب بمغرب زمین، فاتحان آن دیار معلوم میشود که بر حسب ذوق رقیق زندگانی نمیکردند، و اگر هم بعضی چیزها را از بومیان آنجا یعنی باشندگان غیر مسلم آموخته بودند؛ با رقت طبع و ظرافت اذواق ایرانیان خاور زمین که در مدنیت و معیشت و اصول و طرح زیستی از همکنان بمراتب گوی سبقت را ربوده و بر اکثر ملل و نحل معاصر سمت بزرگی و برتری داشتند، موافقت و مطابقتی نمیداشت.

این بود که زریاب گذشته از اصول عیش و نوش، در عرض سال و در فصلهای چارگانه بهار، تابستان و زمستان و پاییز؛ چگونگی تن پوشیدن و پوشاك ببر کردن را بأعراب اندلس آموخت. مردم، بویژه بزرگان و متمولین، او و پسرهایش را سرمشق خود قرار داده و در لباس هم باو تقلید مینمودند.

هموطن ما بمقتضای صنایع ادبی و بدیعی خود همیشه نمونه پاکتی و پاکیزگی بود. از نمود و دارائی خویش استفاده میکرد. در هر فصل اقمشه و البسه مخصوص همان موسم را تن میکرد

و خصوصاً بنا بر تبدلات هوایی، بنازکی و کلفتی پارچه و رنگهای آن فوق الحد اعتنا مینمورد؛ و بحسب لیاقت و مقام خود لباس می پوشید. گویا زریاب پوشیدن لباسهای سید رنگ را از نخستین روز «مهرگان» که شش روز بمه «ژوهن» مانده باشد — میان مردم مقرر نموده بود. از آنروز همه لباسهای رنگین را بیرون آورده، تا بستانی سید بتن میکردند. در باب مهرگان فرهنگ انجمن آرای ناصری میگوید که «مهرگان روز مهر از ماه مهر و آن روز شانزدهم است و فارسیان جشنی عظیم در آن کنند که بعد از نوروز جشنی از آن بزرگتر نباشد و این جشن را تا شش روز کنند. ابتدایش روز شانزدهم است که مهرگان عامه گویند. و اتمایش بیست و یکم است که مهرگان خاصه گویند. هم چنانکه روز نوروز بر دو قسم است، عامه و خاصه؛ روز تحویل آفتاب به حمل روز خاصه شرف آفتاب. و سبب جشن مهرگان آنکه فارسیان گویند، در این روز خدای تعالی زمین را بگسترده و اجساد را مقرون بارواح کرد و بعضی گفته اند که در این روز ملائکه یاری «کاوه» آهنگر نمودند بر دفع ضحاک. فرقه بر آند که فریدون در این روز بر تخت نشست پیش از آنکه کاوه دفع ضحاک نماید. زمره گفته اند که فریدون در این روز ضحاک را در بابل گرفت و بکوه دماوند فرستاد که حبس کنند. پس خلق از ظلم او رستند و پارسیان بدین خود عود نمودند و شکرایزد کردند و حکام را مهر برعایا افتاد. گروهی آورده اند که پارسیان را پادشاهی بود ظالم که «مهر» نام داشت، خلق از او تنگ بودند پس او در این روز بمرد. جمعی گویند که معنی مهر وفات است و کان پادشاه. چون آن پادشاه ظالم در این روز وفات یافت بمهرگان موسوم شد. حکیم دقیقی گفته:

مهرگان آمد جشن ملك افریدونا
آن کجا کاو خوشش بودی برمایونا

عنصری گفته:

مهرگان آمد گرفته فالشن از نیکی مثال
نیک روز و نیک جشن و نیک وقت و نیک حال

قطران گفته:

آدینه و مهرگان و ماه نو
بادند خجسته هر سه بر خسرو

خلق لباسهای سفید را در تمام فصل گرما تا اول ماه «اکتوبر» سه ماهه می پوشیدند. بقیه سال را لباس رنگارنگ استعمال می کردند. زریاب رایش بر این شد که در فصل بهار جبه خزه، نخ ابریشمین بی آستر بپوشند.

در آخر تابستان و اول پاییز، زریاب پوشیدن لباده‌های مروی و گزی را — که با کمی پنبه و آستر محشی بود — میان مردم معمول ساخت. در زمستان نیز لباسهای زمستانی پنبه‌دار و کم کم هر چه سردتر میشد تن پوشها را کلفت تر و در صورت احتیاج، کرک و پوست و پوستین می پوشانید.

خلاصه زریاب نزد ملوک اندلس (اسپاین) مثال و انموذج ذوق و طبع سلیم بود. هر حرکت و روشی، هر طعامی، هر لباسی را می پوشید و یا می پسندید، فوراً در نظر پادشاه، امراء و اکابر اندلس عادت و مد واقع میگشت. بدینصورت خدمتهای ذوقی و ادبی بزرگی بشعر و موسیقی نمود و با وسیله شدن در ایجاد و اختراع «موشحات» اندلسیه — که اغلب شعراء ماجدین و ادباء بزرگ آندیار از قریحه‌های سرشار خودشان بسلك نظم

و ترتیب در آورده اند انقلاب عظیمی در ادبیات عربی فراهم ساخت. بهمین منوال، مشارالیه تا آخر ایام حکمرانی فرمانروایان عرب، در دربار اندلس بسیار محترمانه و مکرمانه زیسته و در تمام امور عادی و معظمه دخالت داشته و مردمان بسیاری از اوقات بشفاعت او مستفید گشتندی.

زریاب را — با کمال جرئت عرض میکنم — میتوان یکی از بزرگترین نوابغ (ژهنی) و رجال عصر خود شمرد چنانکه علامه مستشرق شهیر هولاندی «دوزی» در جلد دوم کتابی که بعنوان تاریخ مسلمانان اسپانی نوشته، متعلق بموسیقی و غناء و ترقی این فن روحنواز در اندلس در صفحه ۸۹ شرح مبسوطی در باره زریاب پاریسی و اثر قدرت و وسعت قریحه او تحریر نموده و آن عصر زرین را چنانکه شاید و باید بسط و تعریف کرده است که در گذشته و آینده موجب افتخار هر ایرانی و ایرانی نژادست. — استانبول — س.م. توفیق

پوشگاه عالی یادآوری

۱ — شماره‌های ۱-۶ ایران‌شهر در اداره تمام شده، هر چه ازین شماره‌ها نزد وکلا و مشترکین مانده، خواهشمندیم فوری پس بفرستند و ازین بعد فقط آبونۀ ششماهه در مقابل نیم ایره قبول میشود.

۲ — بجهت ثابت نماندن قیمت قران و حصول ضرر ازین بابت، ناچاریم چنانکه در اول سال اعلان کردیم وجه آبونۀ سالیانه را يك ایره بگیریم و قیمت انتشارات و مجلدات را هم شلنگ قرار دهیم چنانکه در فهرست جدید ثبت است.